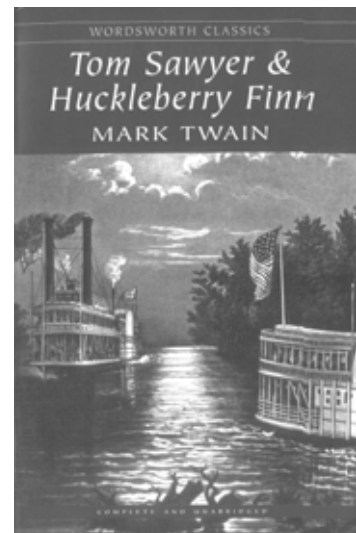
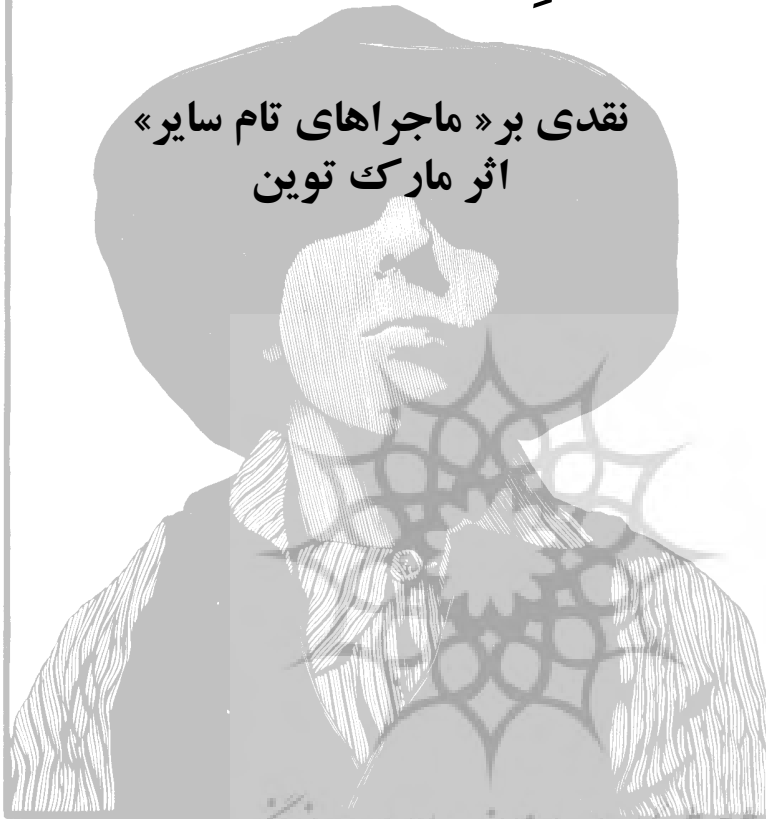


آزادی از قید تعلق تبعید نتیجه اخلاقی

نقدی بر «ماجراهای تام سایر»
اثر مارک توین



دکتر جیمز ال. رابرتس
مسعود ملک یاری

تام سایر

اشاره مترجم:

«هر کس بخواهد موضوع این داستان را پیدا کند، تعقیب می‌شود، هر کس بخواهد نتیجه اخلاقی آن را پیدا کند، تبعید می‌شود، هر کس بخواهد نقشه آن را پیدا کند، تیرباران می‌شود.»^۱

سموئل کلمنس، بی شک نقطه عطفی در ادبیات آمریکا محسوب می‌شود. وی پس از نگارش اثری که در ادامه، تحلیل رابرتس را بر آن می‌خوانید، با نوشتن هکلبری فین که به زبان عامیانه آمریکایی سخن می‌گوید، پایه‌گذار نثری شد که سال‌ها بعد تأثیراتش را در برخی آثار نویسندگان «شوخی‌ساز»ی چون ارنست همینگوی و کرت ونه گات و... می‌توان دید. اما آن‌چه در این‌جا مهم می‌نماید، بررسی این دو شاهکار ادبیات کودک و نوجوان است که به لحاظ حضور دو شخصیت تام و هک و خل بازی‌های‌شان تا مدتی از بیم فاسد کردن اخلاق کودکان به کتابخانه‌ها راهی نداشتند. این دو اثر، به نوعی آغاز انحطاط ادبیات اتو کشیده کودک و نوجوان است. ادبیاتی که نگران تربیت «نامناسب» کودکان و انحراف ایشان بود. ادبیاتی که آنارشی دست جمعی کودکان و به خصوص نوجوانان را با چشمانی گرد شده به تماشا می‌نشست و باز از یک طرف به مواعظ خود درباره مضرات چپق، لزوم سازگاری با عرف و متابعت از قوانین موجود جامعه ادامه می‌داد و از طرفی، با نگرشی تحول‌خواه، او را به بر هم زدن نظم موجود فرا می‌خواند. با نگاهی به «ماجراهای تام سایر» و «سرگذشت هکلبری فین»، می‌توان موجودات محصول این طرز «تربیت» را دید.



هک

توین با
ماجراهای تام سایر،
آخرین اثر
درخشان دوره
«ادبیات کودک
محافظه‌کار» را
می‌نویسد و
این کار را با تمام
قواعد ساختاری،
اعم از انتخاب
زاویه دید سوم
شخص، استفاده از
توصیفات مرسوم،
گفتار متعارف و
غیره همراه می‌سازد
و آن‌گاه با نوشتن
هکلبری فین،
خط بطلانی بر
این دوره می‌کشد
و با به رسمیت
شناختن عاملیت
کودک در
ادبیات خویش،
دوران جدیدی را
در ادبیات
کودک و نوجوان
آغاز می‌کند

مترجم فرهیخته، آقای دریابندری، حق مطلب را در مقدمه مفصل «سرگذشت هکلبری فین»، درباره تفاوت‌های این دو اثر به لحاظ ادبی با انجام مقایسه‌های مختلف زبانی، شیوه روایت و تفاوت زاویه دید و با ذکر نمونه، ادا کرده‌اند. اما آنچه به نظر نگارنده، هنگام ترجمه کتاب تحلیل ماجراهای تام سایر جالب آمد، تأکید رابرتس بر نکته‌ای که ذکر شد، در بخش تفاوت‌های هک و تام است. این تفاوت که درک آن قطعاً باید تأثیر به‌سزایی بر نویسندگان بیدار امروز ایرانی داشته باشد، در محدوده اثر به درک تفاوت آن‌چه جورج سانتایانا، نامش را «سنت نجیا»^۲ می‌گذارد و نوجوان خط کشی شده و پر از تعارضی به نام تام را حاصل می‌دهد، با عصیان «پاپتی‌های سواحل میسی سیپی» که هک نماد آن است، منجر می‌شود و در یک نتیجه‌گیری کلی‌تر - که منظور نظر نگارنده است - به درک ناکارآمدی ادبیات محافظه‌کار و «دست به‌سینه» که می‌خواهد از آینده نوجوانانی مراقبت کند که قهرمان حکایت «چشمه و تشنه» اند و صرافت ایجاد بنیان دیگری برای ادبیات بومی کودک و نوجوان منجر خواهد شد.

به عبارت دیگر، اگر بخواهیم توین را برای این بحث مصادره به مطلوب کنیم، می‌توانیم بگوییم که وی با ماجراهای تام سایر، آخرین اثر درخشان دوره «ادبیات کودک محافظه‌کار» را می‌نویسد و این کار را با تمام قواعد ساختاری، اعم از انتخاب زاویه دید سوم شخص، استفاده از توصیفات مرسوم، گفتار متعارف و غیره همراه می‌سازد و آن‌گاه با نوشتن هکلبری فین، خط بطلانی بر این دوره می‌کشد و با به رسمیت شناختن عاملیت کودک در ادبیات خویش، دوران جدیدی را در ادبیات کودک و نوجوان آغاز می‌کند.

مطلبی که در ادامه می‌خوانید، منتخبی از ترجمه کتاب «تحلیل ماجراهای تام سایر» است که توسط بنگاه وایلی منتشر و به همین قلم ترجمه شده است. این کتاب شامل هشت بخش «زندگی و آثار مارک توین»، «مرور داستان و مقدمه‌ای بر تحلیل»، «طرح گرافیکی شخصیت‌ها»، «شرح مضامین و تمهیدات ادبی اثر»، «چند پرسش مفهومی درباره تحلیل شخصیت‌ها»، «افزایش درک مخاطب از اثر با چند نقد»، «مرور و تثبیت آن‌چه در این کتاب خوانده‌اید» و «کتاب‌شناسی، معرفی منابع الکترونیکی و سایت‌ها» است. امید است ترجمه و انتشار این‌گونه مطالب که نمونه‌های نقد عملی (کاربردی) محسوب می‌شوند، بتواند علاوه بر معرفی بیشتر شاهکارهای ادبیات کودک و نوجوان، الگویی برای نقد روشمند به دست دهد.

نگاهی کلی به اثر

ماجراهای تام سایر که اولین بار در سال ۱۸۷۵-۷۶ منتشر شد، داستان ماجراهای پیش روی یک نوجوان است؛ اگرچه به لحاظی داستان بلوغ یک پسر جوان و قدم گذاشتن وی به دنیای مردها هم هست. این داستان از گونه **رمان‌های آموزشی**^۴ است، رمانی که موضوع اصلی آن شکل‌گیری اخلاقی، روانی و عقلانی شخصیت اصلی نوجوان داستان است. این اثر یک رمان آموزشی تمام و کمال نیست، چرا که توین، تام را راهی دوران بزرگسالی نمی‌کند.

ماجراهای تام سایر، یکی از تو دل برو ترین قصه‌های امریکایی، از دو وجه جذاب است. یکی آن که نوجوانی درگیر حوادث مهیجی می‌شود که نمونه پسرچپه‌های اواسط قرن نوزدهم است. حوادثی که هنوز جالب توجه و دوست‌داشتنی هستند؛ چرا که در جهت غرایز اصلی همه جوانان، قطع نظر از دوران و فرهنگ‌شان است. دوم آن که رمان برای خوانندگان بزرگسالی که گذشته خود را با خاطرات شیرین مرور می‌کنند، جذاب است. در واقع در پیش‌درآمد اولین چاپ، توین نوشته است: «اگرچه کتاب را در اصل برای سرگرمی پسرها و دخترها نوشته‌ام ... بخشی از هدف من مرور خوشایند خاطرات بزرگسالان است که روزگاری چه طور بوده‌اند و احساس و افکارشان چگونه بوده است.» بنابراین رمان توین، ترکیبی از گذشته و حال و شیرین‌کاری‌های دوران کودکی است که به زبان خاصی روایت شده که خاطراتی را در ذهن بزرگسالان زنده می‌کند.

برای مخاطب (امریکایی) چه فضای داستان را تجربه کرده باشد چه نه، بسیاری از فصل‌ها آشنا هستند و بخشی از میراث فرهنگی امریکا محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، با نگاهی دقیق به فصلی که در آن تام رفقایش را سر قضیه نقاشی کردن حصارها سرکار می‌گذارد، در می‌یابیم که توین خودش را ترسیم کرده است. فصلی که تام و بکی در غار گم می‌شوند و بخشی که پسرها

در قبرستان هستند هم همین‌طور. توین عصاره دوران کودکی را با همه تب و تاب‌ها، بیم‌ها و بازبگوشی‌هایش ثبت و ضبط کرده است. به عبارت دیگر، شخصیت‌ها - تام، بکی، **تچر**، **هک فین**، **اینجون جو** و **خاله پولی**^۵ - به بخشی از میراث مکتوب آمریکا بدل می‌شوند.

اگرچه تام سایر در شهر کوچکی در امتداد سرحد غربی کناره رودخانه میسی سیپی معروف و تقریباً در خلال دهه ۱۸۴۰ میلادی زندگی می‌کند، خوانندگان از هر جای دنیا که باشند، نسبت به ماجراهای جورواجوری که تام و گروه دوستانش با آن‌ها دست و پنجه گرم می‌کنند، واکنش نشان می‌دهد. جاذبه رمان بیشتر توانایی توین را در جلب - یا ارائه - تجربیات، بیم‌ها و امیدهای جهان شمول دوران کودکی نشان می‌دهد.

ساختار و اسکلت‌بندی اثر

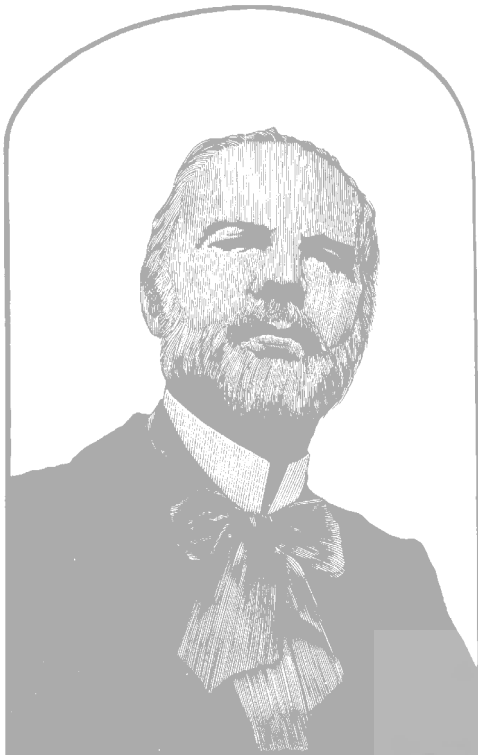
در چارچوب ساختار رمان، برخی انتقادات که این اثر را مجموعه‌ای از اپیزودهای به هم پیوسته می‌داند، وارد نیست. هم‌چنین، برخی به این نکته اشاره کرده‌اند که برخی فصل‌های اثر، ظاهراً اضافی است؛ به هیچ عنوان! هر بخش کتاب، در ارائه تصویری اجمالی از زندگی جوانک‌های داستان سهیم است. در اجمالی‌ترین فصل، توجهات روی رشد تام - و تا حد کم‌تری هک - که سرخوشانه از کودکی ناپخته به عاقل‌مردی تبدیل می‌شود که آکنده است از مسئولیت‌پذیری و تجربه، متمرکز می‌شود. افزون بر این، اولین حوادث - که به ماجرای



قاضی تچر

باگز





سرهنگ شربون

قتل، شهادت پسران و عواقبش اختصاص دارد - ماجرای ساده‌ای را رقم می‌زند که در قبرستان آغاز می‌شود و در تمام داستان‌های فرعی ادامه می‌یابد. داستان‌های فرعی، به تبع روش خاص توین، بیشتر اپیزودیک هستند. برای مثال، ماجراهای هکلبری فین، مجموعه اپیزودهایی است که حول موضوع آزادی برده‌ای به نام جیم، شکل می‌گیرد.

توین در محله هانیبال، واقع در میسوری بزرگ شد. شهری آرام و غبارآلود که در دماغه‌ای مشرف بر رودخانه میسی سیپی، در حدود هشتاد مایلی شمال خیابان لوئیژ بنا شده است. این شهری است - در رمان پترزبورگ نام دارد - که تام و هک و بقیه شخصیت‌ها در آن زندگی می‌کنند. جزیره جکسن در رمان تام سایر (که در رمان هکلبری فین توین هم ظاهر می‌شود)، در واقع جزیره‌ای است در جنوب شهر، نزدیک ایلی نویز که در حاشیه رودخانه قرار دارد. غاری که اینجورن جو تا پیدا شدن سر و کلاهش در آن به سر می‌برد، هم‌چون کارکرد خانه‌هایی است که **بیوه دوگلاس**^۱ و **خاله پولی** از قرار معلوم در آن اقامت دارند. هانیبال توین با جنگل‌های انبوهی که توین، کودکی خود را در آن‌جا باز یافته بود و شخصیت‌های تام سایر و جو هارپر اغلب در آن « سرخپوست بازی» می‌کنند، محصور شده بود. کشتی‌های بخاری که در طول روز از رودخانه می‌گذرند، یکی از جاذبه‌های شهر اند و تام و هک، مدام آمد و شد آن‌ها را از سواحل رودخانه میسی سیپی تماشا می‌کنند.

رگه‌های طنز اثر

توین هرگز خودش را اسیر روایت داستان ساده‌ای برای بچه‌ها نمی‌کند. او مثل همیشه شوخی ساز و هجو کننده نقاط ضعف انسانی است. توین در مقام مؤلفی تشریح کننده، اغلب درباره ایده پوچی هستی انسان اظهار نظر و مداخله می‌کند. در ماجراهای تام سایر، او به هشدار مختصری به بنی آدم قناعت می‌کند. به عنوان مثال، بعد از این که تام، با حقه بقیه پسران را وادار

به برق انداختن حصار دور خانه می‌کند، صدای توین نویسنده، ساده‌لوحی انسان را خاطر نشان می‌سازد: «... برای آن که مرد یا پسری حرف گوش کند و پی چیزی برود، کافی است که آن چیز را دم دستش نگذاری.»

عبارات طنزآلود محشری در اثر وجود دارد. توین همواره ریاکاری در بسیاری از مناسک مذهبی را به باد تمسخر می‌گیرد. مثلاً در فصل مدرسه کلیسا، وجوه فراوانی از این هجوکنندگی به چشم می‌خورد. همان‌گونه که توین نشان می‌دهد که یک پسر بچه، چه‌طور برای بردن جوایز، بسیاری از آیات انجیل را از بر کرده است - بیشتر انجیل‌ها با ظرافت تمام تصویرگری شده‌اند - که « فشار ناشی از آن بر قوای عقلانی‌اش بسیار زیاد بود و او از آن روز به بعد، کمی باشعورتر از یک احمق بود.»

عکس‌العمل مردم در برابر اینجورن جو و شرارتش، نمونه بارز توصیف توین از جامعه است. توین به طرز تفکر و رفتار مردم، در سرتاسر رمان گیر می‌دهد. این بخشی از کشمکش در اثر است؛ تقابل بلوغ یک نوجوان (تام) و ورودش به بزرگسالی، با ملامت‌های بزرگ‌ترهایی که اطرافش زندگی می‌کنند. در این‌جا لایه مضاعفی وجود دارد که اثر را تا سطح داستان ماجراهای یک نوجوان پیش می‌آورد.



دوک

خلاصه اجمالی اثر

خاله پولی دنبال تام می‌رود و با فریاد صدایش می‌کند. او برادرزاده‌اش را در حالی که حسابی دست و بالش مربایی است، پیدا می‌کند. اگرچه، تام با هر کلکی شده، سر عمه‌اش را شیره می‌مالد و جیم می‌شود. البته خاله پولی، تام را بی‌اندازه دوست دارد و نمی‌تواند به او سخت بگیرد. او دلواپس جیم شدن آن روز بعد از ظهر تام از مدرسه است و تقریباً مطمئن است که تام این کار را می‌کند.

بعد از ظهر آن روز، تام یکی از بچه‌های خیابان لوئیز را می‌بیند و با او گلاویز می‌شود. خاله پولی آن شب در خانه، تام را به خاطر کثیف کردن لباس‌هایش موقع کتک کاری، دعوا می‌کند و او را می‌دارد تا به عنوان تنبیه، در تعطیلی روز شنبه، حصارها را برق ببندازد و رنگ کند. صبح روز شنبه تام غمگین، مأموریت کسل کننده‌اش را شروع می‌کند و در حالی دست به کار نرده‌ها می‌شود که می‌داند همه دوستانش همان لحظه مشغول بازی در میدان شهر هستند. همین که او کارش را شروع می‌کند، نوکر خاله پولی، جیم، از راه می‌رسد و تام تلاش می‌کند تا با رشوه، او را هم برای کمک به کار بگیرد، اما خاله پولی، جیم را سر کار خودش می‌فرستد. تام یک‌دفعه از چیزی وحشت می‌کند، چرا که یکی از رفقاییش به او نزدیک می‌شود و چیزی نمانده که ببیند تام، صبح روز تعطیل، سخت مشغول کار است. تام وانمود می‌کند آن‌چه انجام می‌دهد، در واقع کار اجباری نیست و او حسابی دارد با سرگرمی جدیدش خوش می‌گذراند. پولی نمی‌کشد که بن برای امتحان، سیب خود را به تام پیشکش می‌کند. مثل بن که حسابی سر کار است، باقی رفقا هم از راه می‌رسند و شانس خودشان را برای شرکت در آن بازی مفرح امتحان می‌کنند. هر کدام از بچه‌ها بگی نگی چیزی به تام می‌دهند تا آن‌ها را بازی بدهد و

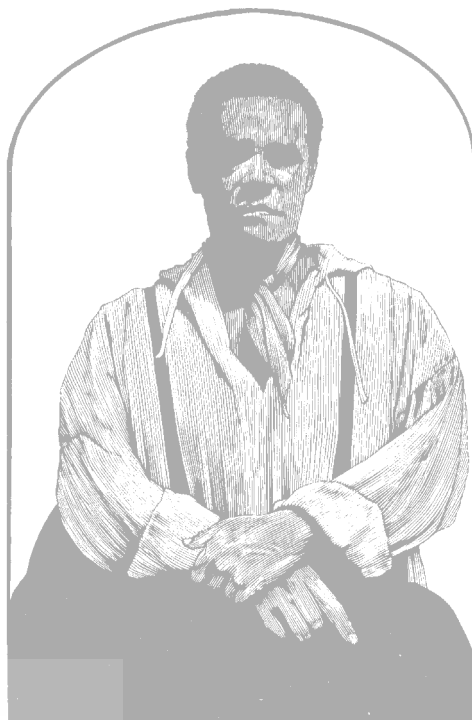
بگذارد نرده‌ها را بسابند و رنگ کنند و دست آخر، تام می‌ماند و حصارهای برق افتاده و رنگ شده و گنجینه کوچکی از هدایا. بعد از آن که حصارها نو نوار شد، تام راهی میدان می‌شود و سر راه به دختر جوان زیبایی برمی‌خورد که وارد خانه‌ای در پایین خیابان می‌شود. تام حسابی برای او قمیز در می‌کند و دختر وانمود می‌کند که محلش نمی‌گذارد. تام شیفته او می‌شود و کم‌کم می‌فهمد که اسم دخترک بکی تچر است. تام به دوستانش که مشغول بازی‌اند، ملحق می‌شود و فرماندهی ارتشی را بر عهده می‌گیرد که جناح مقابل را از پا درآورده است. فردای آن روز، یک‌شنبه، تام مجبور می‌شود به مدرسه کلیسا برود و در حالی که حسابی کلافه و بی‌دل و دماغ است، راهی برای سر حال آوردن خودش پیدا می‌کند.

دوشنبه، بعد از آوردن هزار عذر و بهانه برای نرفتن به مدرسه، تام بالاخره مجبور می‌شود که راه بیفتد. سر راه، هکلبری فین را می‌بیند. هک هیچ‌وقت به مدرسه نرفته و مایه حسادت همه پسرهاست؛ چون از هفت دولت آزاد است. هک با تام قرار می‌گذارد که آن شب برای دفن گربه‌ای به قبرستان بروند.

توی مدرسه، تام به علت تأخیر تنبیه و مجبور می‌شود در قسمت «دخترانه» بنشیند. البته این جریمه حسابی به نفع او تمام می‌شود؛ چون تنها جای خالی، پشت سر بکی تچر است. وقت ناهار، تام، جلو می‌رود و آن‌ها با هم قرار ازدواج می‌گذارند!

نیمه شب، هک هم از راه می‌رسد و آن‌ها راهی قبرستان می‌شوند و در آن‌جا با دکتر رابینسون، اینجون جو و **ماف پاتر**^۱ روبه‌رو می‌شوند که مشغول نبش قبر جنازه‌ای هستند که به تازگی دفن شده است. بگو مگویی در می‌گیرد و طی درگیری، ماف بیهوش می‌شود و جو دکتر را (با چاقوی ماف) می‌کشد و قتل را به گردن ماف می‌اندازد. پسرها که حسابی وحشت کرده‌اند، پا به فرار می‌گذارند و هم قسم می‌شوند که هرگز راجع به چیزی که دیده‌اند، جایی حرفی نزنند. روز بعد، هو و هنگامه‌ای در شهر برپا می‌شود (مدرسه تعطیل می‌شود) و اینجون جو، ماف پاتر را به عنوان قاتل معرفی می‌کند. تام می‌ترسد مبادا اینجون جو بفهمد که او شاهد جنایتش بوده است.

تام، دوستش جو هارپر و هک فین، تصمیم می‌گیرند که مخفی شوند. سه پسر کلکی پیدا می‌کنند و در جزیره جکسون اردو می‌زنند؛



جیم

بابای هک



جایی که با خیال راحت در آن شنا می‌کنند، به ماهی‌گیری می‌روند، چپق می‌کشند، به گشت و گذار می‌روند، بازی می‌کنند و زندگی راحتی دارند. وقتی یک کشتی بخار که مهم‌ترین اهالی سرشناس شهر را سوار کرده است، درحالی که توپ‌هایش را روی آب شلیک می‌کند، از آن‌جا می‌گذرد، آن‌ها می‌فهمند که مردم خیال کرده‌اند آن سه پسر غرق شده‌اند. آن شب، تام یواشکی به خانه می‌رود که خیال خاله پولی را از بابت خودشان راحت کند و نشان دهد که آن‌ها سر دماغ و روبه‌راهند اما وقتی اتفاقی می‌شود که خدمتکاران کلیسا قصد دارند در صورتی که آن‌ها تا یک‌شنبه پیدا نشوند، مراسم «ختم پسرها» را برگزار کنند، نظرش برمی‌گردد. مأموران کفن و دفن، پسران را مخفیانه زیر نظر می‌گیرند و وقتی می‌بینند پسرهای مرده سالانه سالانه در راهرو بین صندلی‌های کلیسا قدم می‌زنند، از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجند.

آخر مدرسه، تام بالاخره وقتی گناه یکی از ندانم کاری‌های بکی را به گردن می‌گیرد و قهرمانانه به خاطر خطاهای او تنبیه می‌شود، دل بکی را به دست می‌آورد.

در دادگاه ماف پاتر، همه باورشان شده که او دکتر رابینسون را ناکار کرده است و می‌خواهند دارش بزنند. تام، با وجود عهده‌ای که با هک بسته و قسم خورده که راجع به چیزی که دیده است، چیزی نگویید، نمی‌تواند دست روی دست بگذارد تا یک آدم بی‌گناه را برای کاری که نکرده، دار بزنند. او شجاعانه سیر تا پیاز ماجرا را تعریف می‌کند. اینجون جو دو پا قرض می‌کند و از پنجره دوم پا به فرار می‌گذارد.

یک روز وقتی تام و هک عقب یک گنج مدفون می‌گردند، به یک خانه متروکه قدیمی برمی‌خورند. دو مرد از راه می‌رسند و پسرها به طبقه بالا می‌روند. یکی از آن‌ها اینجون جوست که تغییر قیافه داده. آن دو جنایتکار صندوق سکه نقره‌ای را که قبلاً پنهان کرده بودند، در می‌آورند و یک‌دفعه و از روی شانس، یک عالمه سکه طلا که گویا مدت‌ها پیش توسط یاغی‌ها دفن شده هم پیدا می‌کنند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند که طلاها را به مخفیگاه اینجون جو ببرند. پسرها که حسابی ترسیده‌اند، می‌شنوند که اینجون جو نقشه انتقام وحشتناکی می‌کشد تا قبل از خروجش از کشور اجرا کند. بچه‌ها می‌ترسند که نکنند اینجون جو می‌خواهد از آن‌ها انتقام بگیرد، اما به قدر کافی خوش شانس هستند که به زحمت ناشناس بمانند. بچه‌ها در شهر دنبال جایی می‌گردند تا مخفی شوند، اما فقط یک اتاق پر از نوشیدنی پیدا می‌کنند.

در پیک نیکی که به مناسبت جشن تولد بکی تچر برگزار می‌شود، بعضی از دخترها و پسرها وارد غار مک دوگلاس می‌شوند. تام و بکی به دنبال جای دنجی از بقیه جدا و به طرز مایوس‌کننده‌ای گم می‌شوند.

در این حین، هک فین که مخفیگاه اینجون جو را پیدا کرده، دنبال دو مرد تا نزدیکی‌های کاردیف هیل، جایی حوالی خانه بیوه دوگلاس و یک مرد ولزی به نام جونز، می‌رود. در حالی که پشت یک بوته قایم می‌شود، می‌فهمد که اینجون جو قصد دارد بیوه دوگلاس را به خاطر شوهرش، قاضی که یک‌بار او را به شلاق در ملأ عام محکوم کرده است، مثله کند. هک مثل برق می‌رود تا آقای جونز را از ماجرا باخبر کند و مرد ولزی و پسرهایش برای جلوگیری از نقشه اینجون جو و رقیفش به راه می‌افتند.

هک آن‌قدر ترسیده که تقریباً رو به موت است و بیوه دوگلاس به خانه مرد ولزی می‌آید و از این پسر در به در پرستاری می‌کند تا دوباره سر دماغ شود.

درست در همین موقع، کاشف به عمل می‌آید که تام و بکی گم و گور شده‌اند و از موقعی که داخل غار شده‌اند خبری ازشان نیست. آن دسته از اهالی که پای گشتن دارند، بسیج می‌شوند و تمام سوراخ سنبه‌های غار را می‌گردند. از آن طرف تام و بکی هیاهوی جستجو کنندگان را از دور می‌شنوند اما کم‌جان تر از آن هستند که بتوانند فریاد بزنند و کمک بخواهند. در جایی از این مصیبت دامن گیر، تام در یک لحظه اینجون جو را در حوالی غار می‌بیند. بعد از آن که آن‌ها تقریباً سه روز در زیرزمین می‌مانند، تام راهی برای بیرون رفتن از غار پیدا می‌کند و به همراه بکی از غار خارج می‌شوند و به شهر می‌روند.

تام و بکب، هردو برای مدتی ناخوش می‌شوند اما تام زودتر از بکی سرحال می‌آید. تام می‌فهمد که قاضی تچر دومین خروجی غار را کاملاً مسدود کرده است و اینجون جو هنوز داخل غار است. برخلاف آدم شروری مثل اینجون جو، تام نمی‌تواند خودش را راضی کند که کس دیگری گرفتار همان گرسنگی و بدبختی‌ای شود که خودش و بکی دچارش شدند، حتی اگر طرف جانی باشد و برای همین به غار می‌روند اما آن‌جا با جسد اینجون جو روبرو می‌شوند که سعی داشته با چاقویش راهی به بیرون غار باز کند.

در پایان، تام و هک به غار می‌روند تا گنج اینجون جو را پیدا کنند. بعد از آن که جان کردن و پیدا کردن سرنخ‌های جورواجور، چیزی در حدود ۱۲۰۰۰ دلار سکه طلا پیدا می‌کنند. آن‌ها این پول را سرمایه‌گذاری می‌کنند و حسابی پولدار می‌شوند. بیوه دوگلاس، هک را پیش خودش می‌برد تا هم باسوادش کند و هم آداب معاشرت یادش بدهد. اما وقتی هک می‌فهمد که در مدرسه نمی‌شود فحش داد و خلاصه همه‌چیز یک جوری به آداب معاشرت ربط پیدا می‌کند، حسابی دمخ می‌شود و دست آخر پا می‌گذارد به فرار. سرانجام هک رضایت می‌دهد به شرط آن که بگذارند عضو دسته دزدان تام بشود، مثل بچه آدم آداب معاشرت یاد بگیرد و کمی سر به راه شود.

**ماجراهای تام سایر،
یکی از تو دل بروترین
قصه‌های امریکایی،
از دو وجه
جذاب است.**

**یکی آن‌که نوجوانی
درگیر حوادث
مهیجی می‌شود که
نمونه پسر بچه‌های**

**اواسط قرن نوزده
است. حوادثی که
هنوز جالب توجه
و دوست داشتنی**

**هستند؛ چرا که
در جهت غرایز اصلی
همه جوانان،
قطع نظر از دوران
و فرهنگشان است.**

**دوم آن‌که رمان
برای خوانندگان
بزرگسالی که
گذشته خود را
با خاطرات شیرین
مرور می‌کنند،
جذاب است**

تام سایر و هکلبری فین: بررسی تفاوت‌ها

تام سایر و هکلبری فین، دو تن از معروف‌ترین شخصیت‌های داستانی نزد خوانندگان آمریکایی هستند. در واقع به نوعی می‌توان گفت که آن‌ها مشهورترین زوج شخصیت، در تمام ادبیات، آمریکا هستند. تام و هک تقریباً از هر جهت با هم تفاوت دارند. به عبارت دیگر، آن‌ها به لحاظ شرایط زندگی، در دو قطب مخالف قرار دارند. هم‌چنین بنا بر نگاهی که به دنیای اطرافشان دارند، کاملاً با هم فرق دارند.

شیوه زندگی

هرچند که تام و هک به سبب از دست دادن پدر و مادر، فصل مشترکی در زندگی دارند، تام در خانواده‌ای فرهیخته، به همراه عمه‌ای که خیلی دوستش دارد، زندگی می‌کند. زنی که شیفت‌های پسرانه تام را تحمل می‌کند، چشمش را روی سبکسری‌هایش می‌بندد و عمیقاً خوشبختی پسرک را می‌خواهد. در مقابل، هک فین تنه‌است، بی‌هیچ سرپناهی و پدر دائم‌الخمری دارد که به کل بی‌خیال پسرش شده است و به وقت عصبانیت‌های مستانه‌اش، حسابی از کوره درمی‌رود و با هک بد رفتاری می‌کند. بنابراین، هک کسی را برای تکیه کردن به او ندارد. این حاشیه حقیقتاً تأسف آوری است که در پایان داستان، آقای جونز اولین کسی است که در طول عمر هک، به هنگام ورودش به خانه دنج، به او خوش آمد می‌گوید.

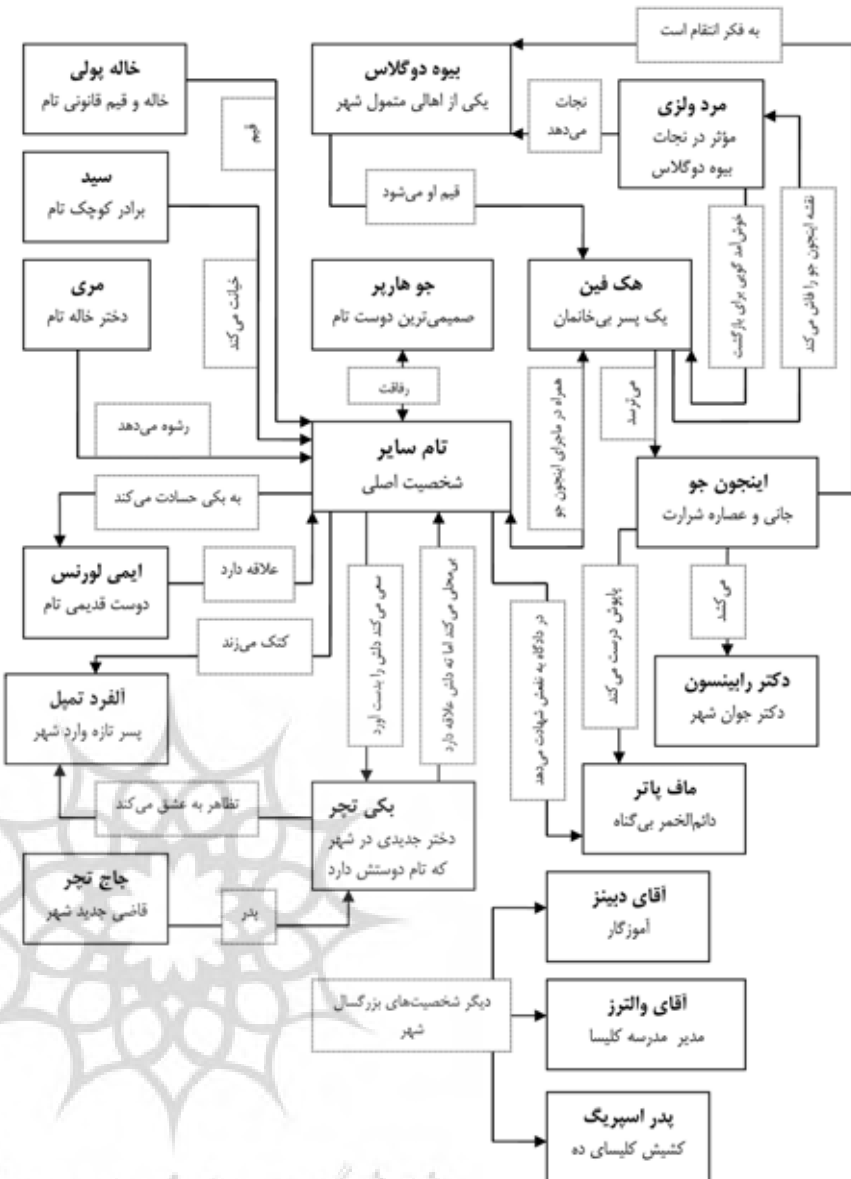
زمانی تام شب‌ها در تخت‌خواب راحتی می‌خوابد، هک باید دنبال جای خوابی در طولیله‌ها، روی

کارتن‌ها یا در مطلوب‌ترین خوابگاهش، یک پشکه خالی بزرگ باشد. در واقع، این جایی است که تام، هک را بعد از ماجراهایی پیدا می‌کند و بالاخره در حالی که تام روزی سه وعده غذا می‌خورد، هک باید برای غذا، دستش را پیش این و آن دراز کند. لباس‌های آن‌ها هم حسابی فرق دارد؛ تام مثل یک بچه مدرسه‌ای لباس می‌پوشد، اما هک لباس زوار در رفته گشادی می‌پوشد که با یک کمر بند به تنش بند شده و اغلب پاپتی است.

تام به مدرسه آبرومندانانه و مقبولی می‌رود، در کلاس‌های مدرسه کلیسا شرکت می‌کند و به مهمانی‌هایی که در خانه‌های اهالی شهر برگزار می‌شود، دعوت می‌شود. هک اما به مدرسه نمی‌رود و طبیعتاً به مهمانی هم دعوت نمی‌شود. در عوض، او از هفت دولت آزاد است، آزادانه به هر کجای شهر و حومه سرک می‌کشد، گاهی برای چند روز ناپدید می‌شود و دل هیچ‌کس برایش تنگ نمی‌شود. تربیتش هم برمی‌گردد به شیوه «مدرسه چک و پس گردنی».

در نقطه مقابل تام، هک یک رانده شده از اجتماع است. به جای جور بودن، هک در سایه آزدایش رشد می‌کند و کاری به کار و وظایف اجتماعی که کنترلش می‌کنند، ندارد. او تاب قوانین زندگی در خانواده‌های متعارف را ندارد، جایی که نه می‌شود چپک کشید، نه فحش داد و جایی که باید لباس‌های درست و حسابی پوشید، منظم زندگی کرد، و ادا و اصولش را یاد گرفت، مخصوصاً آداب غذا خوردن را. در حالی که زندگی تام تحت تأثیر جامعه، قوانین و رفتارهای متعارف است، زندگی هک نوعی از آزادی را با خود دارد؛ او هر طور دلش می‌خواهد، رفتار می‌کند.

این تفاوت‌ها میان تام و هک، در جزیره جکسون نیز دیده می‌شود. اولین روز در جزیره، یکی از به یادماندنی‌ترین روزهای



عمر آن هاست؛ روزی که حسابتی کیف می‌کنند، اما شب، تام و جو که تقریباً عین هم بار آمده‌اند، از این که برای سفرشان غذا دزدیده‌اند، عذاب وجدان دارند و حتی با وجود این که وقت خوابشان را به دعا می‌گذرانند - هک خیلی هم خودش را به زحمت نمی‌اندازد - وجدان‌شان نمی‌گذارد سر راحت روی بالش بگذارند. در مقابل، هک فین بی‌خیال و راحت است. او دغدغه طلب بخشش، به سبب دزدی را ندارد و اصلاً توی باغ نیست. او فکر می‌کند وقتی قوانین جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، از او یک بی‌خانمان و لگرد ساخته، وجدان کسان دیگری باید ناراحت باشد. در واقع هک یک روز معرکه را می‌گذراند؛ چون بیشتر از آن چه در ده گیرش می‌آمده، غذا برای خوردن به چنگ آورده است.

چشم‌انداز زندگی

کله تام پر از چیزهای عجیب و غریب است اما همه آن‌ها ناشی از داستان‌هایی است که خوانده. او همه چیز را «تصنعی» و خیالی می‌کند و توانایی‌های فراوانش را به کار می‌گیرد. او سفت و سخت با قوانین کنار می‌آید - همان‌طور که آن‌ها را اجرا می‌کند. هک کتابخوان نیست، اما در عوض ذهنی دارد، مستعد انجام کارهایی بزرگ که در تخیلات داستانی تام به چشم می‌خورد. تام در عالم هیپروت سیر می‌کند، اما هک همیشه آدمی است اهل عمل و کار.

خلاف تام، زندگی هک بی‌شیله پیله است. او هیچ تمایل و انگیزه‌ای برای متمدن شدن ندارد. حالش از احترام گذاشتن‌ها و اظهار تأسف کردن‌ها به هم می‌خورد. فکر مدرسه رفتن به هم می‌ریزدش. از پوشیدن لباس‌های درست و حسابی و هم اندازه و پوشیدن کفش‌های تنگ متنفر است و از هیچ چیز به اندازه رفتن زیر بار حرف زور و انجام کاری بر خلاف میلش بدش نمی‌آید؛ مثل «فحش ندادن» و چیق نکشیدن.

مثل بسیاری از اعضای جامعه، تام، حدود و ثغور و خط قرمزهای جامعه متمدن را می‌داند و به قوانین و محدودیت‌های آن وفادار است. البته او از افکار عجیب و غریب و آنارشستی سرشار است، اما همواره در ناخودآگاه خود، از قوانین اجتماعی تمکین می‌کند. این‌ها چیزهایی است که از تام یک سالوس می‌سازد. برای مثال، وقتی او می‌خواهد وارد شهر بشود، دلیلی برای تنها رفتن می‌تراشد؛ چون نمی‌خواهد با هک بدنام دیده شود.

هک که یک آسمان جل است، خیلی مثل تام در بند قوانین اجتماعی نیست. در عوض، طرز رفتارش مادرزادی است تا اکتسابی.

آن‌ها چه‌طور همدیگر را ملاقات کردند

تام به آزادی هک رشک می‌برد. همان‌طور که اشاره شد، تام دل خوشی از رفتن به کلیسا ندارد و از رفتن به کلاس دینی یک‌شنبه‌ها و حمام متنفر است. او از مدرسه قانون مدارش جیم می‌شود، از بیگاری فرار می‌کند (مثل برق انداختن حصارها - توجه کنید که هک در هیچ‌کدام از این کارهای تام حضور ندارد) و به راحتی و بی‌قید و بندی زندگی هک حسادت می‌کند. از قضای روزگار، همان پسرها - که تام هم شامل‌شان می‌شود - که آرزوی آزادی هک را دارند و به شیوه زندگی او حسودی می‌کنند، جان سالم از شرط‌های هک به در نمی‌برند.

همان‌طور که طرز زندگی هک حسابتی دل تام را آب می‌کند، هک هم از سواد خواندن و نوشتن و رفتار مقبول و مثل بچه آدم تام، تعریف می‌کند. وقتی تام توضیح می‌دهد که دزدان دریایی چه‌طور لباس می‌پوشند، هک راجع به معلوماتش نمی‌پرسد. فقط مثل بقیه بچه‌ها هک نیز از تام تعریف می‌کند و با رضا و رغبت، دنبالش راه می‌افتد.

مخلص کلام این است که، تام هم‌رنگ جماعت و در بند قیودش است. در حالی که هک، آسمان جلی خودمحور و آزاد است که به آزادی خویش عشق می‌ورزد.

پی‌نوشت:

۱ - توین، مارک: سرگذشت هکلبری فین، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم ۱۳۸۰.
2 - Vernaculaire
3 - Genteel Tradition
4 - bildungs roman, اصطلاح رمان رشد و کمال یا رمان آموزشی، از دو واژه bildung و roman، به معنای تکوین و رمان، شکل گرفته است. این نوع رمان، تصویری از تکامل و تحول دوران جوانی شخصیت اصلی داستان را ترسیم می‌کند که نمونه‌های آن دیوید کاپرفیلد (دیکنز)، کوه سحرآمیز (تامس مان) و همه راه تن (سیموئل باتلر) است.

- 5 - Becky Thatcher
- 6 - Huck Finn
- 7 - Injun Joe
- 8 - Aunt Polly
- 9 - Widow Douglas
- 10 - Muff Potter

اگرچه نام سایر

در شهر کوچکی

در امتداد سرحد

غربی کناره

رودخانه میسی

سیپی معروف و

تقریباً در خلال

دهه ۱۸۴۰ میلادی

زندگی می‌کند،

خوانندگان از هر

جای دنیا که باشند،

نسبت به ماجراهای

جورواجوری که

تام و گروه

دوستانش با آن‌ها

دست و پنجه

گرم می‌کنند،

واکنش نشان می‌دهد.

جاذبه رمان بیشتر

توانایی توین را

در جلب - یا ارائه

- تجربیات،

بیم‌ها و امیدهای

جهان شمول

دوران کودکی

نشان می‌دهد